

۴



فانوس

فروردین ماه ۱۳۹۴



مناظرات دانشجویی
پیرامون نتیجه مذاکرات

اهم مطالب:

مشکلات حمل و نقل دانشگاه / از گوشه و کنار دانشگاه

بحران موسیقیایی مشهد

نقدی بر خلیفات ما دانشجویان!!!

نتیجه مذاکرات چه شد؟



رامتین مولایی

شورای امنیت سازمان ملل طی یک قطعنامه لغو خواهد شد. همه ی تحریم های اقتصادی و مالی چند جانبه اتحادیه اروپا و یکجانبه ی آمریکا از جمله تحریم های مالی، بانکی، بیمه، سرمایه گذاری و تمامی حوزه های مربوطه از جمله نفت، گاز، پتروشیمی و خودروسازی و نیز تحریم های مربوط به صنایع کشتیرانی و هواپیمایی و سازمان ها و نهادهای خصوصی و دولتی به طور همه جانبه لغو خواهد شد.

– کشور های عضو گروه ۱+۵ متعهد هستند از تصویب تحریم های جدید در موضوع هسته ای خودداری نمایند. و اما سخن آخر اینکه نباید از تلاش های تیم متخصص مذاکره کننده بگذریم، نکته ای که در طی روزهای گذشته مورد توجه مسئولین نظام هم قرار گرفته و همه از جمله رئیس جمهور، رئیس مجلس، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، فرمانده سپاه و سایر مقامات کشوری و لشکری با تقدیر از تیم هسته ای، نتیجه مذاکرات را پیروزی برآورد کرده و خرسندی خود را از نتایج مذاکرات ابراز کرده اند. نتایجی که نگارنده امیدوار است در نهایت گامی باشد در جهت بهبود زندگی مردم و کاهش و رفع مشکلاتشان.



نزدیک به ۲ سال از پیروزی حسن روحانی در انتخابات سال ۹۲ می گذرد. اما شاید هیچ کس تصور نمی کرد که در این مدت کوتاه، حل و فصل موضوع هسته ای تا این حد پیشرفت داشته باشد. مسئله ای که بیش از ۱۰ سال سیاست خارجه کشور ما را درگیر کرده بود و تقابل ما با دنیا را تا آنجا پیش برد که کمتر کشوری وجود داشت که در اجماع جهانی علیه ایران هسته ای شرکت نداشته باشد. اما با تحولات ۲ سال اخیر، امروز، در اولین روزهای سال ۱۳۹۴ خبر توافق هسته ای از هتل بوری واژ در لوزان سوئیس به جهان مخابره می شود. هتلی که رفت و آمدهای وزرای خارجه به آن در این چند روز به ثانیه بروز می شد و عبارت "پیشرفت قابل توجه در عین وجود اختلافات" جمله ای بود که بیش از هر چیز دیگری به گوش می رسید. مذاکرات ۱۰ ساعته تا نیمه های شب، بیشتر از مذاکره کنندگان، مردمی را خسته کرده بود که بیش از هر زمان دیگری امیدوار به شنیدن «بوی بهبود» از اوضاع جهانشان بودند.

اتفاقی که از حیث اهمیت در همین چند روز با رویدادی مثل ملی شدن صنعت نفت مقایسه شده است. از همین رو اگر بگوییم که حاشیه های این مذاکرات و توافق، از بعد اهمیت و حساسیت خبری تا مدت ها تیر اول رسانه های مختلف دنیا خواهد بود، به نظر اظهار گزافی نخواهد بود. کما اینکه مواضع جمهوری خواهان کنگره آمریکا و جماعتی موسوم به «دلواپسان» در داخل، به این حساسیت به کرات دامن زده و احتمالا این روند تا پایان مذاکرات هم ادامه پیدا خواهد کرد.

البته برای تحلیل و نظر دادن در باب این بیانیه و سنجش عبارات شاید صحبت در مجال دیگری مفیدتر باشد. فلذا در این مقاله به دنبال تشریح نتایج مذاکرات خواهیم بود.

شاید اولین سوال همه ی ما در شامگاه ۱۳ فروردین و بعد از قرائت بیانیه این بود که بعد از حدود ۱ سال و نیم مذاکره با دول غربی و اروپایی چه اتفاقی افتاده که طرفین در موضوع هسته ای در صدد تنش زدایی از روابط فی ما بین برآمده اند؟ راه حل های بدست آمده در مذاکرات لوزان را در چند خط آینده به اختصار با هم مرور خواهیم کرد.

– مدت اجرای توافقنامه ی جامع که در تیر ماه تصویب خواهد شد ۱۰ ساله است.

– ایران سطح غنی سازی را به حدود ۴ درصد کاهش خواهد داد.

– حدود دو سوم سانتریفیوژ ها به صورت تعلیق در خواهد آمد و تحت نظر آژانس نگهداری خواهد شد و بیش از ۵۰۰۰ سانتریفیوژ به فعالیت خود ادامه می دهند. ایران مراحل آغاز و تکمیل فرایند تحقیق و توسعه سانتریفیوژ های پیشرفته را در طول دوره ۱۰ ساله ادامه خواهد داد.

– نطنز تنها مرکز غنی سازی ایران خواهد بود.

– غنی سازی در تأسیسات فردو انجام نخواهد شد و این مرکز به مرکز تحقیقات هسته ای و فیزیک پیشرفته تبدیل خواهد شد. نیمی از تأسیسات فردو با همکاری برخی از کشورهای ۱+۵ به انجام تحقیقات پیشرفته هسته ای و تولید ایزوتوپ های مصرفی در صنایع کشاورزی، پزشکی و صنعت خواهد پرداخت.

– راکتور تحقیقاتی اراک به کار خود ادامه می دهد. قلب این راکتور با انجام بازطراحی و به روز رسانی ارتقاء خواهد یافت و ضمن افزایش کارایی راکتور، میزان پلوتونیوم تولیدی در آن محدود خواهد شد.

– کارخانه تولید آب سنگین اراک به کار خود ادامه خواهد داد.

– ایران به صورت داوطلبانه و طبق یک جدول زمانی مشخص و در چارچوب اختیارات رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی، پروتکل الحاقی را به صورت موقت اجرا خواهد کرد.

– همکاری های ایران با کشورهای دنیا از جمله اعضای ۱+۵ در حوزه ساخت نیروگاه های هسته ای، راکتور های تحقیقاتی، خرید اورانیوم مورد نیاز نیروگاه از بازار جهانی، ایزوتوپ های پایدار و کشاورزی و پزشکی هسته ای و سایر تکنولوژی های هسته ای امکان پذیر و ارتقا خواهد یافت.

– پس از اجرایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک، تمامی قطعنامه های

کارشکنی افراطیون
در مسیر مذاکرات

طرح روز





سبحان جاویدی

از گوشه و کنار دانشگاه



گویی آه و ناله از وضعیت نا به سامان پارکینگ های دانشگاه علوم پزشکی ذکر مصیبتی تکراری شده. پیرو **فانوس ۳** که در آن از معضل فضای پارک محدود در دانشکده دارو سخن به میان آمد، در این شماره نیز سری به دانشکده پزشکی زدیم. امروز که حدود سه ماه از اختصاص یافتن یک لاین از دو لاین پارکینگ دانشجویان به کارکنان می گذرد، شاهد مشکلات روزافزون خیل کثیری از دانشجویان برای پیدا کردن جای پارک بویژه در ساعات قبل از ظهر می باشیم و این در حالی است که بخش قابل توجهی از لاین اختصاص یافته به کارکنان خالی و بلااستفاده می نماید. موضوعی که دانشجویان را مجبور به استفاده از فضاهایی همچون زمین های خاکی اطراف نموده که این نیز مشکلاتی همچون گل آلود شدن در روز های بارندگی و همچنین نظر به نزدیک شدن فصل گرما، نداشتن سایه بان را در پی دارد. فانوس امید دارد در کنار طرح هایی چون زیبا سازی فضای دانشکده، مسئولین توجهی ویژه نیز به معضلات اساسی دانشویان همچون نیاز جدی به توسعه فضای پارکینگ مینول دارند.



انتقادات بنیادی در حوضه ی آموزش پزشکی کشورمان زیاد است و مرتفع ساختن بسیاری از مشکلات عزم جدی مسئولین را می طلبد. یکی از مواردی که اخیرا بیشتر از آن صحبت شده، آزمون جامع علوم پایه است. فارغ از تاثیرات اندک آموزشی، این حقیقت که اکثر قریب به اتفاق شرکت کنندگان نمره ی قبولی را بدست خواهند آورد و یا به عبارتی پاس می شوند، این آزمون را در نگاه بسیاری از دانشجویان به عنوان یک مسئله صرفااسترس زا و بی جهت مطرح نموده. آزمونی که در سال اخیر دستخوش تغییراتی شده و با توجه به برنامه ی کشوری حذف آن از رشته ی داروسازی، زمزمه ی حذف آن از رشته ی پزشکی نیز بیش از هر زمانی به گوش می رسید و امید های بسیاری را زنده کرده بود. اما گویا خبرها از جلسه ی آموزشی مسئولین حاکی از آن است که آزمون علوم پایه کماکان پا بر جا بوده و از حذف آن خبری نیست! امیدواریم فارغ از هر تصمیمی، اشکالات در حوزه ی آموزش پزشکی تا حد امکان اصلاح و از فاصله با استاندارد های روز جهانی کاسته شود.



در روزهای پایانی سال گذشته جشنواره های خیریه غذا، از سوی انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده های داروسازی و پزشکی با مشارکت اکثریت دانشجویان و استقبال چشمگیر جامعه دانشگاهی برگزار شد. در این جشنواره ها که هر کدام به صورت مجزا و در روزهای متعدد برگزار شد انواع مختلف غذا که عمدتا دستپخت دانشجویان خود دانشگاه نیز بود به فروش رسید و تمامی وجوه حاصلی از محل فروش غذاها نیز به خیریه اختصاص یافت. **فانوس** ضمن استقبال از ایجاد فضای باز و مشارکت و تعامل جامعه دانشگاهی در انجام فعالیت های اجتماعی از تمامی دست اندر کاران این برنامه ها نهایت تشکر و قدردانی را دارد.

نشریه مستقل دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد / شماره چهارم

نقدی بر سیستم حمل و نقل دانشگاه



ناهید عظیمی نسب



اپیزود اول: دانشجوی بی اچ دی فیزیولوژی است. کلاهش را که پایین تر می کشد و می پرسد: "هفت و نیم شد که...چرا نیومد پس؟ به من گفته بودن هفت و بیست دقیقه..." همان جمله هایی را که هر بار با تازه وارد ها در میان می گذارم تکرار میکنند: «خب... اتوبوسا سر ساعت، مثلا شیش یا هفت از پرستاری راه میفتن...تا به اینجا برسن هفت و بیست دقیقه است معمولا... البته بسته به وضع ترافیک و آب و هوا فرق می کنه دیگه...گاهی هفت و نیم...گاهی هفت و چهل دقیقه...گاهی دیرتر...». اپیزود دوم: جزوه هاش را گذاشته روی پاهای، آناتومی از بر می کند. حدود بیست و پنج دقیقه از وقت مقرر گذشته و هنوز سرویسی نیامده! چند دقیقه بعد ماشین که از راه می رسد، بعد از یک نیش ترمز، بدون باز کردن در چیزهایی می گوید لب خوانی می کنیم: "به سرویس دیگه واستون می فرستم!" قاعدتا باید همین کار را بکند، ظاهر سرویس شبیه ماشین های حمل کنسرو شده!

اپیزود سوم: نفس نفس زنان که می رسم سرویس سه دقیقه پیش رفته. این جور موقع ها همیشه سر ساعت می رسد!! تا یک ساعت دیگر هیچ سرویسی در کار نیست.

الو... ببخشید آژانس...

اپیزود چهارم: حال همه ی ما خوب است و ملالی نیست جز دوری شما! ... ببخشید... یک ملال دیگر هم هست فقط... پیشنهاد می شود تعدادی ماسک اکسیژن جهت جلوگیری از خفه شدن دانشجویان در فشار و شلوغی داخل سرویس ها تعبیه شود...متشکریم.

اپیزود پنجم: ببخشید آقای راننده، خودم مقصر بودم که لای در ماندم! آن بخت برگشته ای هم که هفته ی پیش موقع پیاده شدن به علت راه افتادن سرویس با آسفالت خیابان یکی شد، خودش مقصر بود... غلط کردیم.

اپیزود ششم: به دانشجویان داروسازی توصیه می شود بعد از اتمام کلاس ها، مسیر دانشکده تا خوابگاه را پیاده طی کنند. دانشمندان مکررا نیم ساعت پیاده روی در روز را جهت سلامتی جسم،روح و روان شما توصیه نموده اند...شاداب و ورزشکار باشید. اپیزود هفتم: میم، دانشجوی مهندسی دانشگاه فردوسی است. درباره ی برنامه ی سرویس های دانشگاه از او می پرسم. از حدود هفت صبح تا شش بعد از ظهر سرویس ها و از شش تا ده ون ها کار می کنند. البته ون ها مبلغی به عنوان کرایه می گیرند. در هر ایستگاهی که باشی هر پانزده دقیقه یک سرویس هست. البته از صبح تا عصر تعداد کمی ون نیز در آن فواصل پانزده دقیقه ای سرویس دهی می کنند.

با تعجب می پرسم: "هر پانزده دقیقه؟! و تأخیر هم ندارند؟!" می گوید: "آره...ولی می دونی، گاهی ده دقیقه ای هم میان گاهی هم بیست دقیقه ای...ولی بیشتر از این نمی شه. کات...!!!"

مواردی که گذشت تنها گوشه ای از مشکلاتی بود که دانشجویان علوم پزشکی در جهت مسأله ی ساده ی جابه جایی از دانشکده ها تا خوابگاه شان با آن رو به رو هستند. مسأله ای که شاید با اندکی برنامه ریزی ، صرف هزینه ی بیشتر و تأمین تعدادی سرویس اضافه، به راحتی قابل حل باشد. اگر نگاهی به برنامه ی سرویس های دانشگاه بیندازیم متوجه می شویم که صبح ها حدودا هر نیم ساعت یک بار، ساعت دوازده تا دو، هر پانزده دقیقه یک بار و بعد از ظهر هر ساعت یک بار ، سرویس جهت جابجایی دانشجویان پیش بینی شده که این خود یک مشکل محسوب شده و نیاز به افزایش تعداد سرویس ها و کاهش مدت زمان بین هر دو سرویس دهی را نشان می دهد. چه برسد به این که همین سرویس ها نیز گاهی اوقات در ساعت مقرر در ایستگاه حاضر نمی شوند و مواردی مشاهده شده که حتی تا نیم ساعت یا چهل دقیقه تأخیر دارند.

در باب شلوغی سرویس ها نیز کافی است مسئولین محترم یک بار اول صبح،یک بار ظهر و یک بار شب،به ایستگاه اتوبوس به عنوان مثال پزشکی سر بزنند تا متوجه شوند سرویس هایی که به ایستگاه می رسند در مواردی، حتی جای خالی برای ایستادن هم ندارند. اندر مصایب دانشجویان داروسازی نیز به همین نکته بسنده میکنم که شما، به عنوان یک دانشجوی داروسازی بارها شاهد عبور سرویس های پر از مقابل ایستگاه داشکده ی خود خواهید بود، بدون این که حتی توقفی داشته باشند.

معضل حمل و نقل و سرویس دهی به دانشجویان از مهم ترین مشکلاتی است که انتظار می رود در سال جدید هر چه سریع تر برطرف شود. برای حل این مشکل راه های مختلفی، مثل تهیه «من کارت» برای دانشجویان و استفاده از سیستم اتوبوس رانی شهری، افزایش تعداد سرویس ها و استفاده از ون به نظر می رسد. آنچه به نظر فانوس منطقی می رسد، این است که مشابه دانشگاه فردوسی علاوه بر اتوبوس، تعدادی ون برای جابه جایی دانشجویان هنگام بعداز ظهر و شب (حداقل از ایستگاه های داروسازی و پزشکی تا خوابگاه ها)تعبیه شود. ون هایی که از صبح و ابتدای ساعت کاری نیز سرویس دهی می کنند و تا شب که فاصله ی آمدن اتوبوس ها بیشتر می شود تعداد آنها افزایش می یابد. قطعا اکثر دانشجویان پرداخت مبلغی هزینه جهت جابه جایی را به مدت ها منتظر ماندن در ایستگاه و شلوغی سرسام آور سرویس ها ترجیح می دهند.

فانوس ضمن تشکر از تلاش های بی دریغ مسئولین محترم در سال گذشته، امیدوار است آغاز سال جدید آغاز تلاش بیشتر همه ی ما در جهت بهتر شدن شرایط دانشگاه باشد.

شرح تصویر : مسأله حمل و نقل با نگاهی طنز آمیز



مناظره دانشجویی

پیرامون نتیجه مذاکرات سوئیس



در این قسمت فانوس نظرات دانشجویی موافق و مخالف را پیرامون نتیجه مذاکرات سوئیس، با شما مخاطبین عزیز در میان می گذارد. لازم به ذکر است که نظرات این دوستان می تواند نماینده جناح فکری و تشکل دانشجویی بر خاسته از آن، انجمن و جامعه اسلامی، نیز باشد.

محسن صابری

مواردی که ذهن بنده را مشغول کرده بر خلاف عموم منتقدین ربط مستقیم به متن بیانیه لوزان ندارد. از نظر حقیر اغلب سوالات و انتقادات به بیانیه یا بهانه گیری بچه گانه اند، یا بهانه گیری سطحی و ساده لوحانه یا... و در بهترین حالت دلسوزیهایی مدفانه است که احتمالا در ماه های آینده برطرف خواهند شد. شاید هیچ بیانیه ای قابلیت صدور نداشت که به همین اندازه با آن مخالفت نشود، چون مشکل چیز دیگری است. اما چند سوال از آقای رئیس جمهور دارم که با شما در میان می گذارم.

۱- طبق اصول ۹۰۲، ۱۲۱، ۱۵۳ و... قانون اساسی، استقلال کشور از مبانی خدشه ناپذیر این قانون است. شما بر چه مبنا و در برابر چه منفعت ملی این اصول را نادیده گرفته اید؟ آیا پذیرش دiktات بیگانه در امور داخلی ما با یک قرارداد چیزی غیر از خدشه به استقلال کشور است؟

۲- شما مکررا می فرمایید: «حقوق ملت ما حفظ شده است». با توجه به توافقات چند سوال دارم: گفته اند: تا ده سال ۵۰۶۰ ساتنرفیو ما مشغول غنی سازی خواهند بود، اگر این حفظ حقوق است، بنابراین اگر ۵۰۵۹ ساتنرفیو می چرخید حقوق ما از بین میرفت؟ یا ۵۰۶۱ تجاوز ما از حقوقمان بود؟ برگردیم به گذشته، شما در سالهای ۸۲ و ۸۳، در سعدآباد، بروکسل و پاریس داولطلبانه پذیرفتید که علاوه بر تعلیق غنی سازی حتی ساخت قطعات یدکی را هم متوقف کنید، آیا آن روز از حق مردم گذشتید یا امروز بیش از حششان به دست آورده اید؟ شاید به انبساط و زاد و ولد حق معتقدید که پس از ۱۲ سال از صفر رسیده ام به ۵۰۶۰؟

۳- مرتب از پیروزی ملی در مذاکره دم میزنید و میفرمایید: مذاکره برای تعامل برد-برد است. چه نوع معاملاتی در دنیا وجود دارد که وجه آن را فروشنده پرداخت می کند؟ دو سر این تعامل یکی غنی سازی این کشور است و دیگری فروش نفت همین کشور، شما حاضرید بر سر اموال شخصیتان چنین معامله کنید؟ مثلا من با شما بر سر منزلتان در ازای خودرو شما معامله کنم؟ چه پیروزی برای ما است که بهای آمریکا این بوده که پذیرفته ۵۰۶۰ ساتنرفیو داشته باشیم و ما پذیرفتیم که ۵۰۶۰ ساتنرفیو داشته باشیم؟

۴- ظاهرا شما و همکاران درک مخاطبان را کمی پایین تر از واقعیت انگار کرده اید. برای بستن دهان منتقدین ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده نگه داشته اید و دو زنجیره ساتنرفیو که در فوردو بچرخد ولی گازی به آن تزریق نشود مستدعی است بفرمایید که هزینه برق آن ساتنرفیوژها و انبار آن اورانیومها از چه منبعی است؟ آیا بیت المال هزینه این مانور سیاسی را می پردازد یا شخصا تقبل می کنید؟ ساتنرفیوژ خالی چه سودی برای ملت دارد؟

۵- گفته اید: در سیاست خارجی آرمان بحث نمی شود و عرصه منافع ملی است. لابد نظام سلامت یا دولت الکترونیک عرصه آرمان

نشریه مستقل دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد / شماره چهارم



مناظره



علی پزشکیان - محسن صابری



است؟ اگر آرمان نیست، پس بهانه شما برای دعوت ملت به انقلاب چه بود؟ شعار استقلال اشاره به آرمانی در حوزه دانه های روغنی داشت یا سیاست خارجی؟ شاید اصلا استقلال آرمان نبوده و آرمین است؟ مگر ملت برای دفاع از عبا و بعمامه شما قیام نکرد و خون نداد؟ مگر ملت برای حمایت از دوستان دیروز دانشجوی و امروز روشنفکر شما که از دیوار سفارت بالا رفتند، تحریم نشد و سختی نکشید؟ ملت ما دنبال غنی سازی بود یا برای حمایت از غنی سازی شما مقاومت کرد؟ تکلیف میلیاردها دلار هزینه کشور چیست؟ چرا آن روز رفاه ملت را به بهانه اقتدار از ایشان دریغ کردید و امروز اقتدارشان را به بهانه رفاه؟

۶- از بام تعامل با دنیا گفته اید. شما که این قدر تعامل بلدید چرا سال ۵۷ تعامل نکردید؟ چرا در جنگ تعامل نکردید؟ خون صدها هزار جوان مملکت کم ارزش بود؟ چرا وقتی شوروی پیشنهاد معامله عراق با افغانستان را داد تعامل نکردید؟ با رجوع به وجدان خود بگویید اگر آرمان های بالا نبود و قرار بود متخصص تعامل استخدام کنند، شما و رفقایتان باز هم مسئول بودید؟ بدون آرمانها آقای ربیعی هنوز کارگر نبودند؟ آقای نعمت زاده معلم نبودند؟ شما اگر در کشور دیگری بودید هم سال ها مسئول امنیت آنجا می شدید یا به جای حوزه علمیه از افسران با سابقه امنیتی استفاده می کردند؟ همین رفقای بلد شما از صدها میلیارد دلار اموال بلو که شده در آمریکا و غرامت جنگی از عراق یک ریالتش را پس گرفته اند؟ قرارداد الجزایر و قطعنامه ۵۹۸ را میگویم، مگر همین دیپلمات های بلدتان مثل دکتر ظریف این ها را به دست نیآورده بودند؟



علی پزشکیان

در مورد بیانیه لوزان تفاسیر مختلفی ارائه شده است و همانا موضع تشکل محترم انجمن اسلامی دانشجویان در بیانیه شماره ۵ این نهاد آمده، که بنده نیز در موافقت با بیانیه این تشکل ولی از زاویه ای دیگر، به این قضیه می پردازم.

ابتدا با یک قصه شروع می کنم که می تواند درس های بسیاری برای مردم ما داشته باشد: « روزگاری خانواده ای فقیر فقط یک بز داشتند. آنها به ملا مراجعه کردند تا راهی برای خروج از فقر به آن ها نشان دهد. ملا به آن ها گفت که بروید و بزتان را درون خانه ببرید و آنجا ببندید که موجب می شود شما ثروتمند شوید. اینکار را کردند اما خب جمع کردن و تمیز کردن ارادر و مدفوع و تحمل صدای گوش خراشش شب ها به هنگام خواب آن ها را آزار می داد. بعد از مدتی سراغ شیخ رفتند که راه حلی به ما بده که

طاقت آن را نداریم. ملا گفت بروید و تا دو روز دیگر صبر کنید، اگر درست نشد بیاید تا راه حلی به شما گویم. رفتند و پس از دو روز با حالت استیصال پیش ملا آمدند و راه حل خواستند و او به آنها گفت که بروید و بز را از خانه بیرون ببرید و پشت خانه ببندید، آن ها نیز بکردند و از شر بز راحت شدند و چندی بعد به زیارت شیخ آمدند و بسیار وی را تجلیل کردند و او نیز به یاد آور شد که خدا را زین پس بسیار بیشتر شکر کنید و نمازتان را سر وقت بخوانید و ...». سوال های بسیاری پیرامون مسئله پانزده ساله هسته ای وجود دارد که باید پیش از تحلیل بیانیه ها و توافقات احتمالی، به جواب هایی برای آن ها رسید مثلا: چرا چرخه سوخت برای ایران صد میلیارد دلار تمام شد؟ و چرا درحالی که در سال ۱۳۹۱ توان تولیدی برق ایران ۶۸ هزار و ۹۳۲ مگاوات اعلام شد، مراکز غنی سازی ما پس از این همه هزینه های مالی و تحریم ها فقط می توانند یک سوم سوخت مورد نیاز یک راکتور ۱۰۰۰ مگاواتی بوشهر را تأمین کنند؟ چرا تا پیش از این هر که در مورد هسته ای و هزینه های آن صحبت می کرد دچار مسائل امنیتی می شد؟ نهایتا این همه «سرمایه های ملی» به نام پیشرفت و توسعه به خصوص در دو دولت قبلی کجرفت و کی قرار است به مقاصد مالی آن که در سایه حاشیه امن دولت گذشته رخ داد رسیدگی شود؟ و سوال اصلی اینکه آیا پافشاری تام و تمام روی مسأله هسته ای و گره زدن نتیجه آن با حیثیت ملی بهتر بود یا دراز کردن دست به سمت روسیه و تبدیل عملی شعار اصیل « نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» به «فقط نه غربی، وابستگی به شرقی»؟! از دست دادن سهم ۵۰ درصدی دریای خزر و گرفتن تنها ۱۲درصد. عقب نشینی از مرزهای ایران اسلامی که شهدا برای از دست ندادن یک وجب از آن جان خود را فدا کردند در ازای وتوی قطعنامه هایی که صورت نگرفت و اس ۳۰۰ ی که داده شده، صدقات هایی از تبدیل این شعار در سال های گذشته است. امید است کشور با تدابیر مسئولان و هوشیاری ملت به مسیر اصلی انقلاب در سیاست خارجی بازگردد که نشانه های زیادی از آن را می بینیم.

و در پایان باید یک هشدار به مسئولان کشور داد و آن یک قیاس تاریخی است: در قضیه قطعنامه ۵۹۸ با اینکه بار سنگینی از دوش مردم برداشته شده بود و امید مردم برای ساختن ایران وجود داشت اما آن تلخی پذیرش قطعنامه در کام و ناراحتی حاصل از آن در میان مردم وجود داشته است، اما پس از قرائت بیانیه لوزان داستان متفاوت بود...



امیر محمد ناجیک

یک انتقاد خودمانی

شود دعوای سیاسی است و بس! هر چیزی باید رنگ و بوی سیاسی داشته باشد و حتی اگر ذره‌ای آمیخته با تفکرات سیاسی گروه رقیب باشد از نظر هر کدام از آن‌ها آن مسئله کاملاً غیر قابل پیگیری و گاهی خلاف شرع و عرف است و دل امام زمان را به درد می‌آورد! تنها چیزی که در این تشکل‌ها قرار است پیگیری شود این است که چرا فلانی رفت پایش را در آورد کوبید روی میز مذاکره و چرا آن یکی به دلیل قدم زدن با وزیر فلان کشور دل شهدا را به درد آورده است... و از این دست مسائلی که به عقیده بنده در جامعه دانشجویی با مشکلات صنفی روزافزون و ایراداتی که در بدنه و ساختار آموزشی آن وجود دارد به غایت حاشیه‌ای است...

دوست من بیشتر از این با گفته‌هایم سرت را به درد نمی‌آورم. نیک می‌دانم که با خواندن نوشته‌های من اگر زحمت خواندنش را به خودت داده باشی، بیشتر خندیده‌ای تا اینکه فکر کنی و منظور و مقصود من را درباری، هیچگاه نخواستی و نمی‌خواهم نصیحت گر باشم. در کشوری زندگی می‌کنیم که بزرگترین سرمایه‌اش نسل جوان است. آینده‌ی این کشور در دستان من و تو است. مگر چند نفر از ما قرار است که برای داشتن موقعیت بهتر موفق به ترک کشور شوند؟ مطمئناً جمع کثیری از ما سالیان سال در این مملکت زندگی خواهیم کرد و آینده این کشور در دستان ما خواهد بود. اگر قرار باشد همین روش را که در دانشگاه داریم در درس خواندن، روابط اجتماعی و تشکیل خانواده و به طور کلی در زندگی آینده و اداره مملکت خویش ادامه دهیم نه تنها تغییر و اصلاحی رخ نخواهد داد بلکه از این هم بدتر خواهد شد.

دوست من اگر می‌خواهی تغییری را در جامعه ببینی خودت آغازگر آن باش و آن تغییر را از خودت شروع کن. تغییر در تو به عنوان عضوی از اجتماع تغییر در اطرافیان را به ارمان می‌آورد. باور کن تنها راهی که برای پیشرفت می‌توانیم متصور شویم همین است. کتاب جامعه‌شناسی خودمانی این شاهکار را بخوان شاید تلنگری برای یک شروع مجدد در تو باشد. بیا به آینده ایران ببیندیشیم که آینده من و تو و همه ما با آینده این آب و خاک در هم آمیخته است. اگر تغییری را می‌خواهی خود جزئی از آن تغییر باش...



جامعه پوسیده‌ی زوار در رفته‌ی ولش کن مسلک... بهترین تعریفی بود که از جامعه دانشجویی حال حاضر علی‌الخصوص در دانشگاه خودمان همینجا یعنی علوم پزشکی مشهد به ذهن من آمد. این بار مخاطب تویی دوست من... قلم سلاح نویسنده است و من این بار نوک قلم را به سوی تو هدف گرفته‌ام.

واقعیت ماجرا این است که اگر بخواهی از تمامی دانشجویان درباره هدفشان از دانشجویی و تحصیل و آینده‌پرسی؛ پاسخ‌هایی دریافت می‌کنی که به راحتی می‌توان از آن‌ها سردرگمی، بی‌هدفی و سازش‌گری را از نسل جوان این مملکت دریافت کرد. خودمانیم دوستان به راستی اگر بخواهیم واقعی بین باشیم اگر بخواهیم با خنده و طنز به همه چیز نگاه نکنیم این ره به ترکستان نیز ختم نمی‌شود چه برسد به سر منزل مقصود به شرطی که اصلاً سرمنزلی وجود داشته باشد! یکی از بزرگترین مشکلات ما ایرانی‌ها این است که تمامی ما خود را از جامعه خویش مبرا می‌دانیم. انتظار داریم رفتار و گفتار ما تأثیری بر جامعه نداشته باشد و یک قهرمان از گوشه‌ای بر خیزد و تمام کارها خود به خود درست شود. مهم نیست که این قهرمان در طول تاریخ چه نامیده شده باشد. سوشیانت باشد مسیح باشد یا مهدی (عج) برای ما تفاوتی ندارد ما همواره یاد گرفته‌ایم در جای خویش بنشینیم و فقط نظاره‌گر باشیم. اما دریغ که هیچگاه نفهمیدیم که خواندن قرآن خود فرموده است إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ که آی ملت همیشه در خواب ایران و علی‌الخصوص جوانان به اصطلاح بیدار دانشجویان خواندن سرنوشت هیچ قوم (وملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! خواهر و برادر دانشجویی من تا تو نخواهی قرار نیست هیچ اتفاقی بیفتد و این خواستن باید نه تنها در ذهن تو بلکه در عملت نیز کاملاً مشهود باشد. از شما می‌خواهم بر روی مشکلات دانشگاه متمرکز شویم. تا به حال چند بار شده است که به مشکلات دانشگاه خود فکر کنیم و درباره آن با دوستان خود صحبت کنیم و این مشکلات را با هماهنگی تمامی دانشجویان پیگیری کنیم؟ طوری بار آمده‌ایم که دیگر برای سرکوب اعتراضاتمان نیاز به حراست و کمیته انضباطی نباشد و ندای هر اعتراضی که از وجدان و عقل ما بلند می‌شود را خودمان آری خودمان در گلویش خفه می‌کنیم که خدای نکرده به کسی برنخورد!

گاهی اوقات تقصیر از مسئولان دانشگاه نیز نیست مشکل از ماست که وقتی مشکلات دانشگاه را می‌بینیم هیچ گونه واکنشی را از خود نشان نمی‌دهیم و کمافی‌السابق به زندگی آمیبی خود ادامه می‌دهیم که می‌توانیم بگردد و بنابر سنت دیرینه ما سکوت هم که علامت رضاست و آن مسئول حتی اگر خودت هم باشی اینطور برداشتی می‌کند که آری همه چیز عالی بوده و هیچ مشکلی وجود ندارد. دوست من در این دانشگاه هیچ نهادی وجود ندارد که پیگیر خواست تو باشد الا خودت.

خیلی درگیر تشکل‌های دانشجویی نباش که در اکثر این تشکل‌ها، تنها چیزی که پیگیری می‌



نوبدر حمانی

بحران موسیقایی مشهد

(بخش اول)

«آنجا که سخن باز می‌ماند، موسیقی آغاز می‌شود...» موسیقی هنر بیان احساسات به وسیله صداست. این ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین تعریف از موسیقی است که احتمالاً بارها از زبان مدرسین و کارشناسانش شنیده‌ایم. اما به عقیده نگارنده این سیاهه، موسیقی چیزی نیست که در قالب این جمله کوتاه که هیچ، بلکه در صورت کتاب‌ها و منابع خیلی سترگ‌تر نیز بگنجد. شاید تنها بتوان گفت، موسیقی دم داودی چاکوک است روی آن نارون کنار رود، که در ترنم آب روان پای درخت می‌پیچد و ندای الهی حق را در گوش کائنات نجوت می‌کند.

این والا هنر که در جنبه فردی، همان طور که پیش‌تر رفت، می‌تواند مکاشفه‌آمیزترین هنرها برای بشر باشد، متعاقباً بهترین و ارزشمندترین تأثیرها را روی جامعه نیز می‌تواند داشته باشد. می‌تواند شور و نشاط به جامعه تزریق کند. جامعه را به حرکت وادارد... شاید حتی انگیزه و محرک جامعه به سوی افق‌ها باشد.

در اینجا اما، در مشهد مقدس، در جوار پرفروغ‌ترین گوهر خاک پاک ایران، شهری که عطر وجود مبارک امام همام مان در هوای آن مشام جان را می‌نوازد، چه بسا تنها نوای موسیقی و نوازش روح انگیزش کم باشد تا عیش عاشقان را نوش کند. حال آنکه اخیراً لنگ زدن کمیت موسیقی در این شهر بیش از هر جای دیگری به چشم می‌آید. مردمانی که شور و علاقه خود را بیش از هر چیز دیگر به این حوزه ابراز می‌کنند، به پنهان‌ها و دلایلی که شاید فقط برای خود مسبین این مشکلات قانع کننده باشد، از سیراب شدن از چشمه گوارای این هنر باز می‌مانند. در ماه‌های اخیر کنسرت‌هایی قرار بود در این شهر برگزار شود که شاهد ملغاه شدن آنها در آخرین لحظات و در وقتی که خیل علاقه‌مندان حادق انتظار خود از یک فضای دموکراتیک را برآورده می‌دیدند، بودیم. روندی که شاید برای اهالی این شهر حالا دیگر طبیعی جلوه کند و اما سوالی که همیشه نشنیده گرفته می‌شود اینکه، بالاخره چه کسی مسئول است؟ اگر وزارت ارشاد است که هفت خوانی ردیف کرده و از میان فعالان موسیقی هم‌اورد می‌طلبد، مجوز این کنسرت‌ها که با هر خون دلی شده از جانب این نهاد اخذ گردیده و اگر نه چنین است و دست‌های زورمندتری پشت این قضایاست، پس این بزرگواران را معرفی کنند تا دست کم ملت بدانند دست نیاز به دامن کدام عالیجنابی بیازند و دانشان را از محضر کدام سلطان صاحب قرانی بستانند. به امید برداشته شدن این سنگ‌ها از مسیر موسیقی و به امید اینکه مسئولین امر کوچکترین توجهی به صدای مردم و خواسته‌هایشان نمایند.

می‌توان رشته‌ی آن چنگ گسست

می‌توان کاسه‌ی این تار شکست

می‌توان فرمان داده‌ای ای طبل گران

زین پس خاموش بمان

به چاکوک ام نتوان گفت نخوان! "فریدون مشیری"

فانوس / نشریه مستقل دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: آرشد شعبانی

سرمدبیر: نوبدر حمانی

شورای سردبیری: امیر محمد ناجیک

ناهیة عظیمی نسب، الهام شجاعی

هیئت تحریریه: رامین ملایی، محسن صابری،

علی پزشکیان، سبوحان جلودی

شماره مجوز: ۴۴۸/ک/ش؛ ۹۳/۱۲/۱۱

شما مخاطبان عزیز فانوس، می‌توانید از طریق ایمیل:

fanusmums@gmail.com

با ما در ارتباط باشید.